

نقش مربی در تربیت اخلاقی و رسیدن به کمال انسانی چیست؟

نقش مربی در تربیت انسان چیست، اصلی‌ترین مریبان ما چه کسانی هستند؟

چقدر به نقش مربی در تربیت و رشد افراد اعتقاد دارید؟ بهترین مریبان شما در زندگی چه کسانی بوده‌اند و چرا؟ به نظر شما مربی با انسان چه می‌کند، که حضورش در همه ابعاد زندگی واجب و لازم است؟

تصور کنید بعد از مدت‌ها رنج و سختی و مطالعه کتاب‌های قطور و سنگین بالآخره در رشته و دانشگاه موردعلاقه‌تان پذیرفته شده‌اید. اما روز اول که برای ثبت‌نام به دانشگاه مراجعه می‌کنید، متوجه می‌شوید که دانشگاه، استاد ندارد! فرزند کوچک‌تان را با رؤیای قهرمانی در رشته ورزشی مورد علاقه‌اش در یکی از باشگاه‌های شهر ثبت‌نام می‌کنید، اما بعداً متوجه می‌شوید که باشگاه مربی ندارد! فرزند دیگرتان را با هزار امید و آرزو به مدرسه می‌فرستید، اما متأسفانه مدرسه معلم ندارد! چه فکری می‌کنید؟ احتمالاً با خودتان می‌گویید چه طور ممکن است مسئولین دانشگاه و مدرسه و باشگاه تا این اندازه بی‌فکر و بی‌مسئولیت باشند؟ مگر می‌شود این همه شاگرد بپذیری، اما فکری برای آموزش‌شان نکرده باشی؟ چرا مسئولین این مکان‌ها نقش مربی در تربیت شاگردان را نادیده گرفته‌اند؟ اگر نمی‌خواستند کسی را مسئول آموزش و تربیت کنند، چرا این مکان‌ها را تأسیس کرده‌اند؟

باید بگوییم که کاملاً حق با شماست! نقش مربی در تربیت افراد چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت. هرکس که یک مکان آموزشی را تأسیس می‌کند، از مدت‌ها قبل از حضور شاگردان برای حضور مریبان برنامه‌ریزی می‌کند. در نتیجه، کاملاً مشخص است که مریبان باید چه چیزهایی را آموزش دهند و شاگردان پس از اتمام دوره باید به چه توانایی‌هایی برسند. اگر مربی نباشد، فلسفه وجود مکان‌های آموزشی به کلی زیرسؤال می‌رود.

دنیا هم مثل دانشگاه و باشگاه یک مکان کاملاً آموزشی است. ما مدت کوتاهی در این مکان حضور داریم و پس از اتمام دوره به وطن اصلی‌مان برمی‌گردیم. مأموریت ما در طول این مدت همان است که به خاطرش به دنیا آمده‌ایم؛ یعنی شباهت

یافتن به معشوق حقیقی و کمال مطلق یعنی خداوند و صفات خدا را یکی‌یکی مال خود کردن. اما خداوند موجود بی‌نهایت و هستی مطلق است و موجود مطلق در دسترس بشر نیست، که بتواند او را بشناسد و به او شبیه شود. حالا سؤال اصلی این است: «وقتی نمی‌توانیم خدا را بشناسیم، چگونه می‌خواهیم به او شباهت پیدا کنیم؟» این‌جاست که نقش مربی در تربیت و حرکت ما به سوی کمال مطلق مشخص می‌شود.

- مربیان اصلی ما چه کسانی هستند و چه ویژگی‌هایی دارند؟
- چه کسی آن‌ها را به این سمت منصوب کرده و چرا؟
- آیا برای شناخت خدا و شباهت یافتن به او حتماً باید از همین مربیان پیروی کرد؟ راه دیگری برای رسیدن به کمال وجود ندارد؟

مربیان ما زودتر از خودمان خلق شده‌اند!

خداوند انسان را محور خلقت قرار داده و همه‌چیز را متناسب با ساختار ریاضی وجود او طراحی کرده. ساختار ریاضی انسان همان ابعاد جمادی، گیاهی، حیوانی، عقلی و فوق‌عقل است. فوق‌عقل یا بخش انسانی بعد اصلی وجود آدمی را تشکیل می‌دهد و چهار بعد دیگر ابعاد حاشیه‌ای و فرعی‌اند.

ما به‌علت برخورداری از فوق‌عقل عاشق بالاترین کمالاتیم و از همه‌چیز بی‌نهایتش را می‌خواهیم. بی‌نهایت علم، بی‌نهایت ثروت، بی‌نهایت قدرت و... این کمالات بی‌نهایت فقط در وجود خدا تجلی دارند و نسخه‌های زمینی آن‌ها همگی جلوه‌ای از ذات خداوندند. پس در واقع همه ما در ناخودآگاهمان عاشق خدائیم و او را می‌خواهیم، اما چون فوق‌عقل مان فعال نیست، در تشخیص مصداق اشتباه می‌کنیم و همه انرژی‌مان را در طلب کمالات محدود و فناپذیر زمینی هدر می‌دهیم.

برای این که این عشق و طلب ناخودآگاه شکل آگاهانه به خودش بگیرد، لازم است که فوق‌عقل ما به بلوغ برسد و فعال شود. پس از آن که فوق‌عقل فعال شد و ما معشوق حقیقی‌مان را شناختیم، دیگر با هیچ چیز دیگری به جز او شاد و آرام نمی‌شویم. این بلوغ ما را دل‌باخته کمالات خدا می‌کند و دلمان می‌خواهد تا می‌توانیم خودمان را به معشوق‌مان شبیه کنیم. اما خدا از جنس ماده نیست، که قابل شناختن باشد. پس از کجا بفهمیم او چه صفاتی دارد؟ پاسخ روشن است. ما به مربی احتیاج داریم. نقش مربی در تربیت و **سلوک** ما به سمت خدا غیرقابل انکار است. اما مربی را از کجا پیدا کنیم؟ آیا ما در انتخاب مربی و مسیر حرکت مختاریم و هر مسیری ما را به هدفمان خواهد رساند؟ چه کسی صلاحیت دارد دست ما را بگیرد و در این مسیر همراه‌مان باشد؟ باید بگوییم که خدای مهربان از همان ابتدای خلقت و حتی پیش از آن که ما را بیافریند، فکر این جای کار را کرده؛ الگوهای را خلق کرده، که با وجود این که مثل ما انسان‌اند، اما تمام صفات و کمالات خدا را در حد اعلا دارند و ما به راحتی می‌توانیم جلوه‌های زیبای خدا را در آینه وجود آن‌ها ببینیم. اما این مربیان چه کسانی هستند؟

معصومین (علیهم‌السلام) تنها مربیان ما در مسیر کمال

همان‌طور که در درس‌های گذشته گفتیم، خداوند در اولین تجلی خود حقیقتی را خلق کرد که مایه اولیه آفرینش و شبیه‌ترین موجود به خود خدا محسوب می‌شد و تمامی اسماء و صفات خداوند را به‌طور کامل دارا بود. سپس از این حقیقت سایر عوالم هستی و سایر موجودات را به‌وجود آورد. این حقیقت همان نور اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بود. پس اهل‌بیت (علیهم‌السلام) شبیه‌ترین موجودات به خدا هستند و همه صفات خدا را به‌طور کامل در وجود خود دارند؛ به جز این که خدا خالق است و آن‌ها مخلوق. ما و همه انسان‌های روی زمین نیز از نور اهل‌بیت (علیهم‌السلام) آفریده شده‌ایم و بنابراین اصل، ریشه و بعد غیرمادی وجود ما که انسانیت ما وابسته به آن است، از اهل‌بیت منشأ گرفته، نه از پدر و مادر زمینی‌مان.

رابطه ما با پدر و مادر زمینی‌مان رابطه‌ای موقتی و قراردادی است، که تنها محدود به دنیاست؛ اما رابطه ما با خدا و اهل بیت (علیهم‌السلام) یک رابطه وجودی و حقیقی است و به ابتدای خلقت برمی‌گردد. والدین، واسطه به دنیا آمدن جسم ما بوده‌اند، اما روح ما که حقیقت و بُعد جاودانه ما را تشکیل می‌دهد، از جنس خدا و اهل بیت (علیهم‌السلام) است.¹ علاوه بر این ما با معصومین رابطه‌ای حقوقی هم داریم، که به شأن مربی‌گری و رهبری آن‌ها مربوط می‌شود. اهل بیت (علیهم‌السلام) تنها کسانی هستند که می‌توانند مربی ما در مسیر رسیدن به خدا و کسب تمام فضائل و کمالات الهی و انسانی باشند. به جز آن‌ها هیچ‌کس دیگری صلاحیت تربیت و هدایت ما را ندارد زیرا هیچ‌کس یگری تا این اندازه به خداوند شبیه نیست.

در درس‌های بعدی با نقش هدایت‌گری و رهبری ایشان بیشتر آشنا می‌شویم.

1 «نَحْنُ صَانِعُونَ رَبَّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَانِعِينَ؛ ما ساخته شدگان خدا هستیم و خلق، ساخته شده ما هستند»؛ بحارالانوار، ج 53، ص 178.